

بررسی تحلیلی نگرش‌های داخلی و خارجی به مسئله تغییر نظام خطی زبان فارسی: موردهای اوروفارسی، یونی‌پرس و پارسیک

نوید اعطار شرقی*

استادیار آموزش زبان فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۸

دریافت: ۹۴/۸/۲۵

چکیده

مسئله تغییر نظام خطی زبان فارسی و نگارش آن با الفبای لاتین بنیاد، دیرزمانی است توجه برخی زبان‌شناسان و دستوردانان را به خود جلب کرده است. در کنار عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و همچنین آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، پیشرفت تکنولوژی و پدیده‌هایی چون گفت‌وگوی اینترنتی (chat) و نامه‌های اینترنتی (e-mail) و پیامک (sms) اهمیت بیشتری به این موضوع داده است. دلایل گوناگونی از سوی گروه‌ها و اشخاص مختلف برای تغییر نظام خطی کنونی ارائه شده است و شیوه‌ها (یا الفباها)ی نیز پیشنهاد شده‌اند. اما آیا دلایل ارائه‌شده همیشه علمی و منطقی هستند؟ آیا نظام‌های خطی پیشنهادی در عمل کاربردی و قابل اجرا هستند؟ در این مقاله، ضمن نقد و بررسی استدلال‌ات سه گروه اوروفارسی، یونی‌پرس و پارسیک، شیوه‌های خطی پیشنهادی آن‌ها و همچنین شیوه خودجوش فراگیر مورد استفاده عموم را مورد بررسی قرار می‌دهیم. بررسی‌ها نشان می‌دهند که استدلال‌ات این گروه‌ها احساسی و غیر منطقی هستند و بر پایه این پیش‌فرض بنا شده‌اند که دشواری‌های خط فارسی باعث مشکلات فراوان در یادگیری زبان فارسی می‌شود. اما شیوه‌های خطی پیشنهادی این گروه‌ها نیز کارآمد نیستند.

واژگان کلیدی: شیوه خط فارسی، الفبای فارسی-عربی، واج‌های فارسی معیار، تغییر خط فارسی، الفبای لاتین بنیاد.



۱. مقدمه

همزمان با آغاز جریانات تغییر خط در آذربایجان شوروی و عثمانی، زمزمه‌های تغییر خط در ایران توسط برخی تحصیل‌کردگان مقیم خارج همچون میرزا فتحعلی‌خان آخوندزاده و میرزا ملک‌خان آغاز شد. حکومت آذربایجان شوروی در سال ۱۳۰۲ ه.ش الفبای جدید را به رسمیت شناخت. در ترکیه این مسئله تا سال ۱۳۰۶ ه.ش طول کشید. اما تغییر خط در ایران با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد و بحث آن هنوز در جریان است.

آنچه مسلم است الفبای فارسی-عربی با ویژگی‌های زبان فارسی تطابق کاملی ندارد و باعث مشکلاتی شده است؛ اما آیا این مسئله آن‌چنان که هواداران تغییر خط می‌گویند مشکل‌آفرین است که سوادآموزی، فراگیری علم و دانش و نیز تحقق پیشرفت‌های علمی و فنی را برای ایرانیان دچار مشکل کرده است؟ نوشته‌ها و دلایل ارائه‌شده توسط موافقان و مخالفان بسیارند و این خود بیانگر اهمیت موضوع است. اما آیا دلایل ارائه‌شده همیشه علمی و منطقی هستند؟ آیا نظام‌های خطی پیشنهادشده در عمل، کاربردی و قابل اجرا هستند؟ فرض ما در این مقاله این است که مسئله تغییر خط تاکنون حول یک دور باطل در جریان بوده است و بسیاری از استدلال‌های ارائه‌شده برای تغییر خط، علمی و منطقی نیستند و برخی تعلقات سیاسی نیز بر آن‌ها تأثیرگذارند. دور باطل مسئله تغییر خط را می‌توان چنین تعریف کرد: برشماری مشکلات شیوه خط فارسی به‌عنوان دلیل تغییر از سوی موافقان و اشاره به گسست فرهنگی و ادبی از سوی مخالفان، به‌عنوان دلیل مخالفت. بدیهی است برای ارائه نگرشی جدید به این مسئله، ابتدا باید استدلال‌های مختلف دقیقاً مورد بررسی قرار گیرند تا نکات مثبت و منفی آن‌ها بهتر شناخته شود. همچنین تأثیرات پیشرفت‌های علمی و فناوری بر آینده جهان و ارتباط خط و زبان با آن باید در نظر گرفته شود. مسئله گسست فرهنگی و تبعات آن بر جامعه در شرایط سیاسی-اجتماعی کنونی دنیا نیز نباید فراموش شود.

طبیعتاً بررسی موضوع در همه این جوانب، پژوهشی جامع و مفصل را می‌طلبد. در این مقاله برای تأیید یا رد فرض اولیه‌مان، نخست استدلال‌های دو نگرش مربوط به گروه‌های خارج از ایران، یعنی اوروفارسی و یونی‌پرس را در کنار نظرات یک زبان‌شناس داخلی بررسی می‌کنیم. سپس ضمن مروری بر سیستم واجی زبان فارسی معیار و روش‌های گوناگون ترانویسی واج‌های فارسی، شیوه‌های خطی لاتین‌بنیاد اوروفارسی، یونی‌پرس و پارسیک و

همچنین شیوه خطی مورد استفاده عموم ایرانیان را از این منظر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲. پیشینه موضوع

بحث و جدل در خصوص مشکلات الفبای عربی- فارسی و اصلاح یا تغییر نظام خطی و خط فارسی، قدمتی دیرینه دارد. «سابقه بحث حروف صدادار یا مصوت به زمان بزرگان پیشگام علم و ادب این سرزمین، بوعلی سینا و خواجه نصیر طوسی برمی‌گردد» (خیام، ۱۳۷۳ به نقل از خانلری، ۱۳۶۴). کاظم استادی شرح مفصلی از تاریخچه تغییر خط ارائه می‌دهد. به نقل از وی فتحعلی آخوندزاده از پیشگامان این بحث بود و در سال ۱۸۵۷م کتابچه‌ای برای تغییر الفبا و دلایل آن ارائه کرد. وی همچنین در سال ۱۲۴۷ ه.ش رساله خط اختراعی خود را نزد اعتضادالسلطنه، وزیر علوم ناصرالدین شاه، فرستاد.

کورش صفوی کاربرد لفظ الفبا را غیر فنی می‌داند و در آشنایی با نظام‌های نوشتاری شرح کاملی از مفاهیم نظام خطی و خوانداری و نویسه‌ها و غیره در زبان‌های مختلف ارائه می‌دهد. وی همچنین معتقد است که ما از «خط» عربی استفاده می‌کنیم و «نظام نوشتاری» فارسی داریم. او بنا بر مصاحبه‌ای با ایسنا، معتقد است، راه حلی برای مشکلات خط کنونی فارسی وجود ندارد و پیشنهاد استفاده از خط رومیایی را مطرح می‌کند (نک. صفوی، ۱۳۹۱). وی با اشاره به این‌که خط رومیایی برای زبان فارسی در پیامک‌ها و اینترنت و غیره استفاده می‌شود، پیشنهاد می‌کند که نگارش فارسی با خط رومیایی، نظام‌مند و هماهنگ شود. وی اما در جای دیگر ادعای تغییر خط را رد می‌کند و در مورد نظام‌مند کردن خط رومیایی احتمالی می‌گوید «به تدریج می‌بینیم بهتر است خودمان را از شر این دقت‌ها خلاص کنیم و بگذاریم مردم هرطور می‌خواهند بنویسند» (نغزگوی کهن و همکار، ۱۳۹۴: ۳۳).

محمد دبیرمقدم نیز معتقد است، هرگونه دخل و تصرف در خط فارسی هزاران عیب دارد و هیچ حسنی ندارد. او می‌گوید، رسم‌الخط مصوب فرهنگستان، بهترین الگوست و همه باید بکشیم از این رسم‌الخط استفاده کنیم. وی کشور ژاپن را مثال می‌زند:

امروز در ژاپن سه نظام خطی هم‌زمان وجود دارد؛ یعنی وقتی شما روزنامه می‌خوانید، باید سه خط «کانجی»، «هیراگانا» و «کاتاگانا» بدانید [...] ۱۲ سال طول می‌کشد تا بچه‌ها خط را یاد بگیرند؛ به همین دلیل تا دوران دبیرستان ساعتی برای آموزش خط دارند. با همه این‌ها در



ژاین گرچه صحبت‌هایی درباره تغییر خط بوده، اما هیچ‌وقت این صحبت‌ها جدی نشده و نخواهد شد؛ چون این خط با فرهنگ آن‌ها عجین است و آن را جزوی از فرهنگ خود می‌دانند (دبیرمقدم، ۱۳۹۱).

در این میان مسعود خیام در خط آینده، آینده خط تمام/توماتیک فارسی، موضوع را از منظر تکنولوژی پردازش و انتقال اطلاعات و گرافیک کامپیوتری بررسی می‌کند. به نقل از ایسنا: «نسخه مسعود خیام برای حل مشکلات خط فارسی، استفاده از خط کنونی برای نامه‌های اداری و متن‌های ادبی و تدبیر خط دیگری برای کارهای علمی و کامپیوتری است» (خیام، ۱۳۹۱).

مقالات و نوشته‌های متعددی در لزوم یا عدم لزوم تغییر یا اصلاح خط وجود دارد.

۳. آسیب‌شناسی شیوه خط فارسی - عربی

مسعود خیام مشکلات خط فارسی را در نبودن حرکات و حروف صدادار خط فارسی در زنجیره خط و چسبیده‌نویس و راست‌نویس بودن حروف می‌داند (نک. خیام، ۱۳۹۱). همان‌طور که می‌دانیم الفبای فارسی-عربی با برخی ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان فارسی کاملاً سازگار نیست و دشواری‌هایی را موجب شده است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی به نوبه خود در جهت قاعده‌مند کردن این دشواری‌ها تلاش بسیاری کرده است که نتیجه این تلاش‌ها در کتابچه‌ای به نام دستور خط فارسی آمده است که مجموع قواعد آن بیش از ۴۴ صفحه را شامل می‌شود که این خود نشان‌دهنده پیچیدگی مسئله است. برخی از این دشواری‌ها به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

- عدم تناظر یک‌به‌یک آواها و حروف الفبا: زبان فارسی استاندارد همه همخوان (صامت)‌های زبان عربی را ندارد؛ در نتیجه تعدادی از حروف الفبا معادل آوایی مستقلی ندارند و برای یک آوا در نظر گرفته شده‌اند:

ز-ذ-ض-ظ ← /z/؛ ث-س-ص ← /s/؛ ت-ط ← /t/

- تعدادی از آواها (یا ترکیبات آوایی) به یک صورت نوشته می‌شوند:

حرف «و» برای /o/، /u/، /ow/، /v/، /vu/؛ تو /to/، /tu/؛ جو /jub/، /jow/، /jav/؛ داود، داوود /dâvud/. حتی در برخی واژه‌ها، حرف «و» هیچ صدایی ندارد: خواب، خواستن، صلوة

- نوشته نشدن واکه (مصوت‌های کوتاه، باعث ایجاد کلماتی هم‌شکل با تلفظ متفاوت می‌شود: /korom/, /karam/, /kerm/؛ سیر /sir/, /seyr/؛ پر /par/, /por/؛ ...
- در پایان واژه‌هایی که به واکه کوتاه ختم می‌شوند یک «ه» یا «ه» گذاشته می‌شود که تلفظ نمی‌شود: به /be/، نه /na/، ننه /nane/، پاره /pâre/، شکوه /šekve/؛ در مقابل، برخی واژه‌ها نیز که به /h/ ختم می‌شوند، با یکی از همین صورت‌ها نوشته می‌شوند: به /beh/، نه /noh/، سپاه /sepâh/، سپه /sepah/، شکوه /šokuh/.
- واکه‌های بلند به صورت‌های مختلف نوشته می‌شوند: ایراد، تیز، تیزی، اورنگ، اردک، مهرنوش، آب، بابا، مال، مأل، موسی.
- همزه اشکال گوناگونی دارد و این یکی از مشکلات اساسی املائی فارسی است: مسئول، مسؤل، مسئله، مسأله، مؤمن، متأللی، جزء، رأس، شیئی... .
- عدم نگارش کسره اضافی می‌تواند موجب ابهاماتی شود: آب لیمو بگیر؛ آب‌لیمو بگیر.
- در این میان برخی دشواری‌ها نیز هستند که می‌توانند در پردازش اتوماتیک زبان و ترجمه ماشینی تأثیر منفی بگذارند:
- برخی حروف به حرف پس از خود نمی‌چسبند؛ در نتیجه در داخل واژه فواصلی همانند بین واژه‌ها ایجاد می‌شود.
- پسوندها و پیشوندها (به دلایلی، به‌ویژه از نظر زیبایی واژه) گاهی پیوسته و گاهی جدا نوشته می‌شوند: آب‌بان، نگهبان، سوگوار، طوطی‌وار، بزرگ‌تر، بیشتر، کتاب‌ها، این‌ها، آن‌ها...؛ هم‌آرزو، هم‌کلاسی، هم‌آرمان، همسایه، همشهری، هم‌آورد...؛ بروم، بمانم، به دست آورم؛ بخرد، بجا، به‌حق، به‌سختی... .
- همچنین برخی واژه‌های مرکب، پیوسته و برخی جدا و برخی به دو صورت نوشته می‌شوند: بهنام، پاک‌نام، آهن‌ربا، کهربا، دل‌انگیز، دلاویز، دل‌آگاه، پنج‌گانه، ده‌گانه، بیستگانی، بیهوده، بی‌حاصل، بی‌شرف، غمخوار، ماهی‌خوار، پنج‌تن، یک‌سویه، یکسویه، یک‌شبه، یکشبه... .
- در برخی موارد، برای رفع ابهام، لازم است که حرکات و کسره اضافی و سایر علامات گذاشته شود: عُرْضه/ عَرْضه، حَرْف/ حَرْف، بُرد/ بُرد، سِرِ چشمه/ سرِ چشمه و... . اما بسیاری از نرم‌افزارهای کامپیوتری، به‌ویژه در اینترنت، فاقد چنین امکانی هستند. از سوی دیگر در برخی نرم‌افزارها که دارای امکان حرکت‌گذاری هستند، معمولاً حرکات با نقطه‌ها و



سرکچ‌ها درمی‌آمیزد و کلمه را تا حدودی درهم می‌کند. ضمن این‌که بسیاری از نرم‌افزارها برای زبان عربی طراحی شده‌اند و ویژه زبان فارسی نیستند.

۴. نظرات و دلایل برای تغییر خط

۴-۱. استدلال‌های گروه‌های مقیم خارج

ایده تغییر خط فارسی، از همان ابتدا موافقان و مخالفانی پیدا کرد و هر گروه استدلال خود را داشته‌اند. در این راستا دغدغه مخالفان تغییر خط، دفاع از پدیده‌ای است که با قدمتی بیش از هزار سال با زبان فارسی و هنر و فرهنگ ایران آمیخته است و به عقیده آن‌ها تغییر آن باعث گسستگی فرهنگی می‌شود. درمقابل، موافقان تغییر خط، ضمن برشمردن مشکلات نظام خطی، دلایلی برای توجیه لزوم تغییر آن ارائه می‌کنند. از بین شیوه‌هایی که برای نگرش لاتینی زبان فارسی ارائه شده است می‌توان شیوه یونی پرس^۱ و شیوه اوروفارسی^۲ را نام برد. در زیر به نمونه‌هایی از دلایلی که دست‌اندرکاران یا طرفداران این شیوه‌ها برای تغییر خط فارسی ارائه می‌کنند، توجه کنید:

فارسی را باید به لاتین نوشت؛ بارورشدن زبان فارسی و گسترش فرهنگ و دانش پیشرو بشری در میان مردمان فارسی‌زبان نیازمند تغییر خط کنونی فارسی است. الفبای فارسی عربی، تکامل این زبان را به بند کشیده است. فارسی را باید از دایه قرون وسطایی‌اش جدا کرد و تکاملش در جهان مدرن را بر پایه الفبای رایج و غالب در جهان مدرن قرار داد (نک. وبگاه اوروفارسی).

پس از خواندن چنین جملاتی، این سؤالات پیش می‌آید که «بارور شدن و تکامل زبان» دقیقاً یعنی چه؟ طبق چه استدلال منطقی‌ای گسترش فرهنگ و دانش پیشرو بشری در میان فارسی‌زبانان، نیازمند تغییر خط کنونی است؟ مگر با همین خط کنونی، ایرانیان از کسب علم و دانش بازمانده‌اند؟ مگر هرساله دانش‌آموزان ایرانی در المپیادهای علمی، مقام کسب نمی‌کنند؟ مگر مثلاً کشور چین با الفبای ویژه‌اش راه علم و ترقی را نپیموده است؟ استدلال‌هایی از این دست و کاربرد جملاتی همچون الفبای کنونی، تکامل زبان فارسی را به بند کشیده است و اصطلاحاتی چون «دایه قرون وسطایی»، ماهیتی منطقی و علمی ندارد. به موردی دیگر توجه کنید:

شالوده لاتینی الفبای پارسی جهانی، نه تنها زبان پارسی را به سادگی در دسترس فرزندانمان و آنان که آموزش خود را در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های برون‌مرزی گرفته‌اند، خواهد گذاشت، بلکه راه را برای بیگانگانی که دوستدار پژوهش و بررسی در فرهنگ و تاریخ کشورهای فارسی‌زبان هستند نیز خواهد گشود؛ بدین‌روی، فرهنگ و زبان پارسی در دسترس سر راست همه جهانیان، بدون بند دبیره‌ای درهم و برهم و پیچ‌درپیچ و ناآشنا چون دبیره پارسی عربی خواهد بود» (نک. وبگاه یونی‌پرس).

در اینجا نیز باز هم با عباراتی کلی و غیر علمی مواجهیم: «بدون بند»، «درهم و برهم و پیچ‌درپیچ» و «ناآشنا»، ضمن این‌که از یک‌سو تعداد زیادی از ایرانیان داخل ایران و آنانی که خارج ایرانند و توانایی خواندن و نوشتن به خط فارسی-عربی را دارند را فدای تعداد قلیل فرزندان ایرانیان مقیم خارج کشور می‌کند؛ فرزندان‌ی که بسیاری از آن‌ها یا به‌سختی به فارسی صحبت می‌کنند یا حتی اصلاً فارسی صحبت نمی‌کنند؛ چه برسد که بنویسند. از سوی دیگر تغییر خط را باعث جذب دوستداران پژوهش و بررسی فرهنگ و تاریخ کشورهای فارسی‌زبان می‌دانند؛ گویی افراد بسیاری منتظرند تا خط تغییر کند و آن‌ها گروه‌گروه به آشنایی با فرهنگ ایران مشغول شوند و تنها مشکل‌شان همین خط کنونی است! نکته دیگر این است که در اینجا گسترش فرهنگ را به زبان و خط ربط می‌دهند درحالی‌که در جایی دیگر خط را در فرهنگ بی‌تأثیر می‌دانند و در جواب این سؤال که «آیا زبان و دبیره عربی جزئی از فرهنگ ایران و زبان پارسی است؟» چنین می‌گویند:

... زبان و الفبا دو چیز جداگانه‌اند. [...] الفبا تنها ابزاریست برای خواندن و نوشتن و هیچ‌گونه ارزش فرهنگی ندارد. ولی زبان چنین ارزشی را داراست. دگرگونی الفبا در فرهنگ و زبان هیچ‌گونه نشانی نمی‌گذارد. [...] دبیره یا الفبا، تنها ابزاری است برای خواندن و نوشتن. [...] دبیره همانند جامه‌ای بر تن است. تن مانند زبان و دبیره همچون جامه است. [...] هر زبانی را می‌توان به هر الفبایی نوشت. خوش‌پوش‌ترین جامه‌ها آن‌هایی هستند که برای اندازه‌های ویژه آن تن دوخته شده باشند. براننده‌ترین دبیره برای یک زبان آن است که برای ویژگی‌ها و آواهای آن زبان ساخته شده باشد. [...] دبیره پارسی جهانی، براننده تن زبان پارسیست؛ ولی پارسی عربی نیست. پارسی عربی همان دبیره پیچ‌درپیچ عربی است که بدان چهار نویسه ویژه پارسی افزوده شده است... (نک. وبگاه یونی‌پرس).

... زمینه تکامل فارسی، دیگر نه پیوندهای قرون وسطایی، بلکه زندگی مدرن و جهان مدرن است. مسئله، به یک روند بیگانه‌سازی فارسی با دانش‌ها و تکنولوژی نوین، میدان داده است.



هر دانش‌آموزی که پا به دبیرستان گذاشته، ناچار بوده با این بیگانه‌سازی فارسی به واسطه دانش‌های نو در رنج و سکوت کنار بیاید. شیوه خط عربی امکان کوتاه‌نویسی‌های علمی را که از جمله در آموزش ریاضیات، فیزیک و شیمی اجتناب‌ناپذیر است، ندارد. برای فراگیری این علوم پایه ناچاریم از خطی که در مدرسه به‌عنوان خط فارسی آموخته‌ایم، فاصله بگیریم، مثلاً فرمول شیمیایی آب را در شکل غریبه H₂O به ذهن بسپاریم، [...] معادله‌های جبری را به صورت $(a-b)^2 = a^2 - 2ab + b^2$ در ذهن جای دهیم. [...] اکنون در لبه تیز تحولات تکنولوژیک، کامپیوترها از راه رسیده‌اند. [...] منطق خشک کامپیوتر با بی‌منطقی شیوه خط عربی جور نیست، همان‌گونه که نوشتن فرمول‌های ریاضی، فیزیک و شیمی با این خط سازگار نبود. [...] شیوه خط عربی، فارسی را با دانش‌های نو و تکنولوژی نو بیگانه می‌کند و این‌که این خط همراه خود، فارسی را نیز به موقعیت زبان عقب‌ماندگی فرو می‌کشد. سرنوشت فارسی و فارسی‌زبان‌ها را بیش از این با شیوه خط عربی نمی‌توان گره زد (وبگاه اوروفارسی).

همه ما در دبیرستان ریاضی و فیزیک و شیمی خواندیم و فرمول‌های آن‌ها را یاد گرفتیم و حفظ کردیم و در درک این دروس به دلیل این‌که فرمول‌ها به لاتین بودند و درس‌ها به فارسی، مشکلی نداشتیم. باز هم جای تکرار دارد که دانش‌آموزان ایرانی در المپیادهای گوناگون، به‌ویژه ریاضی، فیزیک و شیمی بدون تحمل رنج و سکوت افتخار می‌آفرینند. توجیه تغییر خط، دلایلی علمی‌تر و دقیق‌تر می‌طلبد. دلایلی واقعی و قابل اثبات.

۲-۴. استدلال داخلی: دیدگاه مبدع الفبای پارسیک^۳

یکی از الفباهای لاتینی پیشنهادی برای زبان فارسی، پارسیک نام دارد. مبدع این الفبا، دکتر مصلح‌آبادی، در مقاله‌ای در ششمین کنفرانس زبان‌شناسی چین می‌نویسد:

... در همه موارد بالا، مخالفان و موافقان اصلاح یا تغییر وجود داشته‌اند و نظریات خود را قطعاً ارائه داده‌اند؛ ولی آنچه مهم است آن [است] که موافقان بدون دلیل و منطق نمی‌توانسته‌اند نظریاتشان را به دیگران و به‌ویژه مخالفانشان تحمیل کنند و مخالفان هم قطعاً دلایل و استدلال‌های ضعیف‌تری نسبت به موافقان اصلاح یا تغییر داشته‌اند و لاجرم تسلیم این جریان طبیعی تحول شده‌اند؛ برای نمونه استدلال ضعیفی چون «تغییر نظام خطی باعث گسست تاریخی ادبیات گذشته می‌شود»، جایی برای قدامت‌کردن در برابر نیاز به تغییر آن نظام خطی نمی‌توانسته داشته باشد و حتی در یکصد سال اخیر نیز نداشته است. زبان آذری

همانند فارسی به نسخه‌ای از الفبای فارسی - عربی نوشته می‌شده، سپس به دلایل سیاسی به کورلی (سیریلیک) و پس از رفع فشار سیاسی، آزادانه به لاتین تغییر یافته است. [...] اکنون گفتار و نوشتار، دو مسیر واگرا را طی می‌کنند و از هم فاصله می‌گیرند. کتابت فارسی تغییر چندانی نسبت به اوایل دوره فارسی دری نکرده است و یک فرد تحصیل‌کرده حتی غیر ادیب می‌تواند متون شاهنامه یا گلستان و بوستان را بخواند و با کمی زحمت چیزی از آن‌ها را بفهمد. دلیل آن هم سرعت کند تحول کتابت فارسی بوده است. مخالفان تغییر یا اصلاح خط، این امر را از مزیت‌های عمده خط موجود و باعث پیوستگی ادبی و فرهنگی می‌دانند، بی‌آن‌که به این مهم توجه کنند که بهایی که دیر یا زود برای حفظ این پیوستگی ظاهری می‌پردازند چقدر گزاف خواهد بود (مصلحی مصلح‌آبادی، ۱۳۸۳: ۳۱۲-۳۱۵).

در مقابل این مطالب، باید گفت که مسئله «گسست ادبی یا فرهنگی»، مسئله خاص و پراهمیتی در مقابل تغییر یا اصلاح خط است که باید با دقت و حوصله کامل و به‌طور همه‌جانبه مورد بررسی قرار بگیرد و به هیچ‌وجه نباید آن را موضوع یا استدلالی ضعیف تلقی کرد. این مورد مسئله‌ای است که احتیاج به مطالعه و تحقیق طولانی‌مدت دارد و باید بررسی کرد که تغییر خط در کشورهایمانند ترکیه و آذربایجان چه تأثیرات (مثبت یا منفی) اقتصادی، علمی و به‌ویژه فرهنگی را موجب شده است؟ ذکر مثالی در همین مورد جالب است: در برخورد با دو دانشجوی آذربایجانی (کشور آذربایجان) در دوران تحصیل در کشور فرانسه، در کمال تعجب مشاهده کردیم که آن‌ها چیز زیادی از تاریخ گذشته خود نمی‌دانند. یکی که دختری بود ۲۷ ساله که طبیعتاً نظامی را شاعری آذربایجانی می‌دانست، ولی نمی‌دانست چرا به فارسی شعر گفته است؟ نفر دوم یک پسر ۲۰ ساله شدیداً ناسیونالیست بود که فقط می‌دانست که «آن‌ها کشوری بوده‌اند تحت سلطه و ظلم فارس‌ها! ...». مثال دیگری هم که می‌توان ذکر کرد همان ترک یا ترکیه‌ای‌دانستن مولوی است.^۴ این موارد را شاید بتوان بر اثر نوعی گسست فرهنگی دانست. شاید اگر آن دانشجویان هنوز به خط عربی می‌خواندند و می‌نوشتند، می‌توانستند کتاب‌ها و منابع قدیمی را مطالعه کرده، بیشتر با تاریخ واقعی خود آشنا شوند. بی‌شک در چنین کشورهایی غالب جوانان تنها با آن قسمت از تاریخ گذشته‌شان رابطه دارند که حکومت‌هایشان (با در نظر گرفتن مصالح سیاسی خود) در اختیارشان می‌گذارند.

یکی از ایرادهایی که موافقان تغییر خط همواره ذکر می‌کنند و تا حدودی هم صحیح است مربوط می‌شود به اشکال مختلف حروف الفبا. مصلح‌آبادی در این مورد چنین می‌نویسد:



الفبای فارسی- عربی را الفبایی ۳۲ حرفی می‌شناسیم؛ ولی بهتر است واقع‌بینانه‌تر به موضوع نگاه کنیم. فارسی- عربی، دارای الفبایی ۳۳ حرفی است. از این ۳۳ حرف، ۸ حرف (د، ز، ژ و ا، ء) دو شکلی‌اند و بقیه هریک چهار شکل دارند. در کنار این حروف و اشکال مختلف آن‌ها، سه حرکت نماینده واکه‌های کوتاه و سه علامت تنوین و یک علامت سکون وجود دارد. سه واکه کشیده نیز به کمک حروف «و» و «ی» و «ا» و علامت ویژه مد ~ به کتابت درمی‌آید. نتیجه آن‌که فارسی- عربی ۱۱۶ شکل حرفی و ۸ علامت کمکی دارد. به علاوه، از میان همه این حروف و اشکال، دو حرف «ت» و «ط»، سه حرف «ث»، «س» و «ص»، دو حرف «ح» و «ه»، چهار حرف «ذ»، «ز»، «ض» و «ظ»، دو حرف «غ» و «ق» و دو حرف همزه («ء») و «عین» [بدون در نظر گرفتن الف غیر «آ»] هم‌آوا هستند (مصلحی مصلح‌آبادی، ۱۳۸۳: ۳۱۵).

منظور از دو شکلی و چهار شکلی بودن حروف این است که حروف (د، ز، ژ، و، ا، ء) در واژه، برحسب حرف ماقبلشان، به دو صورت نوشته می‌شوند: د، د، ر، ر، ا، ا، و... . بقیه حروف نیز به چهار شکل تحریر می‌شوند: ک، ک، ک، ک، خ، خ، ب، ب، ب... این اشکال مختلف توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز در دستور خط فارسی ارائه شده است. مصلح‌آبادی همچنین می‌افزاید:

ناگفته پیداست که چه وقت، حافظه و انرژی‌ای برای یادگیری «نوشتن» این حروف و سپس فراگرفتن «درست‌نویسی» یا املاي تک‌تک واژه‌ها از یک نوآموز فارسی‌زبان- که غالباً سنی حدود ۷ سال دارد- به هدر می‌رود تا در بهترین حالت و پس از گذشت حداقل ۳ و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حداکثر ۱۲ سال تحصیل پیش از دانشگاه بتواند دست آخر و آن هم با تردید، بگوید که «من خواندن و نوشتن فارسی را بلدم!» [...]. آموزش فارسی- عربی به غیر فارسی‌زبانان فاجعه عظیم‌تری است. یک فرد غیر فارسی‌زبان اگر اختیار انتخاب آزادانه و غیر ایجابی داشته باشد، زبان فارسی را در اولویت حتی آخر خود قرار نمی‌دهد. دلیل آن هم واضح است. آموزش یک زبان امروزه به‌صورتی درآمده که اگر طول دوره آموزشی‌اش بیش از حد معینی [که به‌طور متوسط ۲ سال است] باشد، ارزش سرمایه‌گذاری و صرف وقت و انرژی ندارد. در جایی که یک فارسی‌زبان باید به‌طور متوسط ۶ سال از عمر خود را تنها صرف یادگیری نوشتن و خواندن زبان مادری‌اش بکند، انگیزه‌ای برای یک غیر فارسی‌زبان، آن هم با فرصت محدودتر و شرایط خاص‌تر باقی نمی‌ماند! [...]. (همان: ۳۱۶).

باید اعتراف کرد که دشواری‌های نظام خطی فارسی- عربی یادگیری خواندن و نوشتن را مشکل‌تر نموده است اما نه به این شدت. نکته‌ای که باید در اینجا ذکر کنیم این است که نگارنده

و تمام هم‌کلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌های دوره ابتدایی و بسیاری افراد دیگر که نگارنده می‌شناسد، در کلاس اول ابتدایی الفبا را به صورت دو شکلی کوچک و بزرگ برای برخی حروف مانند (بب) یا (سس) و تک‌شکلی برای برخی دیگر همچون (د، ر، و) و غیره یاد گرفتیم و در همان یکی دو سال اول (حتی اواخر سال اول) علاوه بر کتب درسی قادر به خواندن کتاب‌های داستان غیر درسی نیز بودیم و از آن زمان به بعد همواره فارسی را می‌خوانیم و می‌نویسیم. بنابراین به چه دلیل باید بیهوده مسئله را مشکل کنیم و اشکالی مانند (سس) یا (بب) و ... را به شکل‌های حروف، اضافه کنیم؛ درحالی‌که همان شیوه ساده کاملاً پاسخگوی نیاز است. البته مسئله دو شکلی و چهار شکلی بودن نشانه‌های خطی در بحث گرافیک کامپیوتر و همچنین در زمینه خوشنویسی قابل طرح است اما در مورد آموزش الفبا مشکلی ایجاد نمی‌کند.

در مورد مشکلات درست‌نویسی یا املائی زبان‌آموزان خارجی بررسی دو سری از انشاهای فارسی‌آموزان چینی با گفته‌های مصلح آبادی درباره سختی یادگیری زبان فارسی ناسازگار است: سری اول، ۲۲ متن (مجموعاً ۱۸۰ سطر) از گروهی از زبان‌آموزان چینی سطح پایه (اغلب پس از سه ماه یادگیری زبان فارسی) را شامل می‌شد و مجموعاً ۶۵ غلط املائی داشت. تعداد غلط‌های املائی در سری دوم مشتمل بر ۲۱ متن (۳۰۳ سطر) از ۲۱ زبان‌آموز چینی سطح پیشرفته (با بیش از دو سال یادگیری زبان فارسی) تنها ۳۷ مورد بود. گفتنی است در کل، اغلاط دو گروه دربرگیرنده مواردی بودند همچون جا انداختن نقطه حروف، فراموش کردن سهوی درج یک حرف، ناخوانایی و ... و حتی غلط‌هایی ناشی از اشتباهات نحوی و تداخل زبانی و تفاوت گفتار و نوشتار (به‌عنوان نمونه، نک. مدارک ۱ و ۲ در بخش انتهای جستار حاضر).

در مورد انگیزه خارجیان برای یادگیری زبان فارسی نیز باید گفت که امروزه در انتخاب یک زبان خارجی، علاوه بر تمایلات شخصی، فرهنگی و خانوادگی (مثل ازدواج و ...)؛ عوامل سیاسی و اقتصادی، بسیار مؤثرتر یا بهتر بگوییم تعیین‌کننده‌تر هستند. به‌عنوان مثال در کشور فرانسه علاقه روزافزونی برای یادگیری زبان چینی (برخلاف دشواری‌های آن) به وجود آمده است که بیشتر دلیل اقتصادی دارد.

همچنین مگر بسیاری از زبان‌ها دارای چنین دشواری‌هایی نیستند؟! به‌عنوان مثال آیا واژه‌های انگلیسی *light* و *thought* همان‌طور تلفظ می‌شوند که به نوشتار درمی‌آیند؟ زبان‌هایی مانند انگلیسی و فرانسوی نیز دشواری‌های فراوانی دارند؛ به‌عنوان نمونه در زبان



فرانسوی غالباً آخر واژه‌ها تلفظ نمی‌شوند؛ مثلاً واژه‌های *e* حرفی *temps* و *a* حرفی *beaucoup* تنها معرف به ترتیب *2* و *4* واج هستند */tã/* , */bokul/* . الفبای فرانسوی ۲۶ حرفی است؛ درحالی‌که سیستم آوایی این زبان ۳۸ آوا (۱۶ مصوت و ۲۲ صامت) دارد (Vide. Dictionnaire Petit Larousse, 2004). بر این اساس تعدادی از آواها حرف متناظری ندارند و تعدادی دیگر برحسب مورد چند معادل حرفی دارند و برخی حروف نماینده چند صدا هستند [نک. جدول ۵]. در زبان فرانسوی سه اکسان (*˘*، *ˆ*)، یک علامت به نام *tréma* (*¨*) و همچنین *trait d'union* (-) و آپوستروف (*'*) و یک علامت که گاهی در زیر حرف *c* قرار می‌گیرد به نام *cedille* نیز وجود دارد (*ç*) . همچنین در تعداد محدودی واژه، ترکیبی به شکل «*œ*» وجود دارد: (*œuf*, *œil*) (نک. جدول ۵).

با توجه به این دشواری‌ها و موارد بسیار دیگر تاکنون نگارنده شخصاً نشنیده است که زبان‌شناسان فرانسوی درصدد تغییر نظام خطی‌شان باشند. امروزه کشورهای ثروتمند و قوی مانند چین، نه تنها الفبا و زبان خود را حفظ، بلکه ترویج هم می‌کنند. چنین مسائلی بعضاً این سؤال را از جانب برخی مخالفان تغییر خط پیش کشیده است که آیا کشورهای غربی در راستای جهانی‌سازی تمایل به تغییر خط کشورهای شرقی یا کشورهای اسلامی دارند که خود می‌تواند پیش‌زمینه‌ای باشد برای تغییرات فرهنگی؟ جواب دادن به این سؤالات وظیفه موافقان تغییر خط است و احتیاج به بررسی و مطالعه فراوان دارد. به هر حال سؤالاتی از این قبیل در وبگاه *unipers* مطرح شده‌اند و جواب‌هایی نیز به آن‌ها داده شده است و علاقه‌مندان می‌توانند به آن‌ها مراجعه کنند.

به هر روی، ابداع‌گران خط‌های لاتین‌بنیاد برای فارسی، راهکارهایی را نیز برای به‌کارگیری و اعمال این خط در نظر گرفته‌اند. از جمله مصلح‌آبادی، برای آموزش زبان و خط فارسی پارسیک و تغییر خط فارسی راهبردهایی را به این شرح پیشنهاد می‌کند:

از آنجا که اختلاف بر سر کاربرد یا کنار گذاشتن نظام خطی فارسی-عربی هنوز موجود است و با وجود نیاز مبرم به تغییر خط فارسی، پیش از ارائه هرگونه راهبردی، می‌باید همه جوانب امر را در نظر گرفت. نخست آن‌که باید ارائه راهبرد به گونه‌ای باشد که تا حد امکان دربرگیرنده نظر هر دو، مخالف و موافق، بوده و در عین حال بر پایه اصول و ضوابط علمی بنیان گذاشته شده باشد و نه صرفاً انگیزه‌های احساسی. دوم آن‌که سرعت اجرای برنامه‌ها در هر راهبردی باید به گونه‌ای باشد که لطمه‌ای به اهداف آن وارد نسازد و سرانجام آن‌که

مدت‌دار و مشخص باشد و هیچ جنبه مبهم و ناقصی نداشته باشد. بر این اساس و از میان احتمالات مختلف، راهبردی پیشنهاد گردید که در آن اولاً تا حد امکان فارسی و غیر فارسی‌زبان به‌طور یکسان در نظر گرفته شد و ثانیاً به‌گونه‌ای بود که نگرانی، هرچند غیر جدی، کسانی را که به تغییر خط به چشم عامل ایجاد گسست فرهنگی می‌نگریستند، برطرف می‌کرد. در این راهبرد، توصیه می‌شود که آموزش زبان فارسی به خط نو باشد و نظام خطی فارسی-عربی به‌عنوان یک ماده درسی و ترجیحاً پس از سال‌های دوره ابتدایی به دانش‌آموزان تدریس شود. این روش باعث یادگیری سریع خواندن و نوشتن فارسی می‌شود و از طرفی فارسی‌زبان قادر خواهد بود حتی متون کلاسیک (رده‌مند) را به خط فارسی-عربی بخواند و بفهمد. از آنجا که تنها امر مهم در این میان، انتقال میراث ادبیات کلاسیک فارسی به نسل‌های جدیدتر است، نگرانی در این مورد وجود نخواهد داشت و از طرفی فرآیند تبدیل و بازنویسی همه متون کلاسیک به خط جدید در طی مسیری طبیعی و مدت زمانی نه‌چندان طولانی میسر خواهد شد. به‌علاوه از آنجا که اجباری برای نوشتن به فارسی-عربی وجود نخواهد داشت (چرا که خواندن فارسی-عربی بیشتر در مواد درسی گنجانده شده است)، از صرف وقت و انرژی بی‌مورد برای نوشتن فارسی به فارسی-عربی جلوگیری خواهد شد. گذشته از آن، حتی امکان ادغام آموزش فارسی-عربی با دروسی چون قرائت قرآن کریم وجود دارد؛ چرا که با توجه به یکی‌بودن نظام خطی مورد استفاده در فارسی و عربی، دانش‌آموز هم می‌تواند متون فارسی رده‌مند را بخواند و هم متون قرآنی و دینی را؛ که در اینجا نیز نگرانی کسانی که تغییر خط را باعث جدایی نسل جدید از قرآن و متون دینی می‌دانستند، کاملاً بی‌مورد خواهد بود. به هر حال با توجه به نیاز به تدریس قرآن کریم در همه مدارس، متون رده‌مند فارسی از گردونه پیوستار فرهنگی-ادبی ایرانیان خارج نخواهد شد (مصلحی مصلح‌آبادی، ۱۳۸۳: ۳۱۸).

اعتراض اساسی‌ای که به این راهبرد وارد است، این است دکتر مصلح‌آبادی از یک‌سو نظام خطی فارسی-عربی را نظامی ناکارآمد تلقی می‌کند که یادگیری و آموزش آن چندین سال وقت، انرژی و حافظه بسیار می‌طلبد و از طرف دیگر پیشنهاد می‌کند که پس از تغییر خط، نظام خطی فارسی-عربی، به‌عنوان یک ماده درسی، تدریس شود. بدین ترتیب ایرانی‌ها نه تنها مجبورند مقداری انرژی، وقت و حافظه برای یادگیری نظام خطی جدید صرف کنند، بلکه باید دوباره همان مقدار بسیار زیاد وقت، انرژی و حافظه را که برای خط سابق لازم بود به کار گیرند تا آن را به‌عنوان یک ماده درسی فراگیرند. همچنین بر فرض، شروع کردیم به آموزش خط نو به نوآموزان، باید به



معلمانی که به این کودکان ریاضی، هندسه، جغرافیا و ... درس می‌دهند نیز این خط را بیاموزیم تا مطالب خود را با این خط برای آن‌ها بنویسند و بعد بتوانند از آن‌ها امتحان بگیرند و برگه‌های امتحانی آن‌ها را تصحیح کنند. ضمن این‌که باید گروهی را نیز در نظر بگیریم که هر ساله کتاب‌های آن‌ها را به خط نو برگردانند. وقتی بزرگ‌تر شدند و به راهنمایی و دبیرستان رفتند، دبیران دبیرستان نیز باید خط نو را بدانند و کتاب‌هایشان باید به خط نو باشد؛ درحالی‌که دانش‌آموزانی که ۳-۴ سال بزرگ‌تر هستند و شروع آموزش خط نو به آن‌ها بر نمی‌گردد، به همان خط فارسی-عربی درس می‌خوانند؛ مگر این‌که بگوییم پس از شروع آموزش خط نو به شاگردان کلاس اول، به کلاس دومی‌ها، سومی‌ها و ... تا راهنمایی‌ها، دبیرستانی‌ها نیز خط نو را می‌آموزیم و کتاب‌هایشان را عوض می‌کنیم و بدین ترتیب همه ایرانی‌ها باید خط جدید را یاد بگیرند که این خود وقت و انرژی فراوان می‌برد و گرنه نوآموزانی که تحصیلشان را با خط نو آغاز می‌کنند، گروهی مجزا خواهند بود و این خود یعنی یک گسست اجتماعی! علاوه بر این، مسئله گسست فرهنگی صرفاً مختص به متون ادبی کلاسیک نمی‌شود که با برگردان آن‌ها به خط جدید مشکل حل شود. فرض کنیم پس از چندین سال از شروع آموزش خط نو، یک دانش‌آموز دبیرستانی که براساس خط جدید آموزش دیده است، بخواهد رمان کبیر یا کتاب ساخت زبان فارسی دکتر غلامعلی زاده یا مثلاً کتابی که در سال ۱۳۸۵ در مورد فیزیک نور چاپ شده است را بخواند، یا این‌که بخواهد تمام روزنامه‌های سال ۱۳۵۷ را مطالعه کند تا از حوادث انقلاب اسلامی آگاه شود. در این صورت یا باید هزاران هزار کتاب، نوشته، مجله و غیره به خط جدید برگردانده شوند که این خود وقت و انرژی و هزینه بسیار فراوانی می‌برد و سهم زیادی از درآمد نفت-که شاید تا آن موقع دیگر تمام شده باشد-صرف دوباره نویسی کتاب‌ها می‌شود و یا این‌که بگوییم که همه آن‌هایی که خط نو را یاد می‌گیرند حتماً باید خواندن به خط عربی-فارسی را بلد باشند که باز هم این وقت و انرژی و سرمایه بسیار زیادی می‌طلبد که در این صورت برگشته‌ایم به سر جای اولمان^۵. درواقع، جوهره راهبردهای پیشنهادی مصلح‌آبادی این است که ایرانیان باید به لاتین بنویسند و به عربی-فارسی بخوانند! آیا کسی که خواندن به عربی-فارسی را یاد می‌گیرد نوشتن به آن قدر سخت خواهد بود که بهتر است به لاتین بنویسد و به عربی-فارسی بخواند؟! همین نکته، در مورد غیر فارسی‌زبانان نیز صدق می‌کند؛ مثلاً اگر بخواهند مطلبی را درباره تاریخ، فرهنگ، هنر، علم یا هر چیز دیگر بخوانند، یا باید آن مطلب، کتاب، نوشته به خط نو نوشته شده باشد یا آن خارجی‌ان خط عربی-فارسی را بلد باشند! به هر حال

در مورد فارسی‌زبانان باید گفت که سال‌ها و سال‌ها است که کودکان به مدرسه می‌روند و خط فارسی-عربی را یاد می‌گیرند و آن را می‌خوانند و به آن می‌نویسند، هرچند ممکن است اگر مثلاً «کتاب‌ها» را «کتابها» بنویسند، ۲۵ صدم از نمرهٔ دیکتهٔ آن‌ها کسر شود و یا یادگیری «انتساب قامت» و «انتصاب استقامت» برایشان کمی سخت باشد.

دربارهٔ مشکلات خط فارسی برای غیر فارسی‌زبانان نیز باید گفت که به هر حال هر زبانی ویژگی‌های خود را داراست و زبان فارسی با همین خط کنونی نیز از بسیاری زبان‌های دیگر دنیا ساده‌تر است و به مدد فعالیت‌های سازمان‌هایی چون بنیاد سعدی تعداد فارسی‌آموزان و مراکز آموزش زبان فارسی در ایران و جهان در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است.^۱ بسیاری از دشواری‌های خطی، مثلاً مشکلات مربوط به فرم خاص کلمات دخیل عربی و یا برخی مشکلات مربوط به همزه در فهرست‌های بسته قرار می‌گیرند. همچنین در جاهایی که لازم است حرکت‌گذاری می‌شود. اگر روزی همگان به این نتیجه رسیدند که باید برای رفع دشواری‌های این نظام خطی اقدامی قطعی انجام داد، شاید راه‌حل‌های ساده‌تری به‌جای تغییر خط به لاتین بتوان یافت. راهکارهایی که حتی پیشتر توسط صاحب‌نظران ارائه شده‌اند؛ همچون رواج دادن واژه‌های اصیل فارسی که به‌مرور جایگزین واژه‌های عربی مشکل‌ساز شوند، در نظر گرفتن شکلی معین برای همزه و مصوت‌های بلند و حتی نگهداشتن یک حرف از حروف هم‌آوا و حذف بقیه و مواردی دیگر. در مورد مشکلات مربوط به تکنولوژی مدرن مانند اینترنت و نرم‌افزارهای کامپیوتری بهتر است قبل از هرچیز مهندسان کامپیوتر فکری برای طراحی نرم‌افزارهایی بکنند که زبان فارسی و خط آن را به‌طور کامل پشتیبانی کند.

۵. عمل انجام‌شده

تا اینجا دربارهٔ انگیزه‌های چند گروه از موافقان تغییر خط بحث کردیم؛ اما درست یا غلط، خوب یا بد، یک‌چیز مسلم است: زبان فارسی مدت‌هاست که با حروف لاتین نوشته می‌شود؛ در علوم آوانگاری و واج‌نگاری، در برخی کتاب‌های آموزشی برای غیر فارسی‌زبانان، در مدارک بین‌المللی مانند گذرنامه‌ها، بر سر درِ فروشگاه‌ها و در سطحی وسیع، در اینترنت و پیامک‌ها. گروه‌ها یا اشخاصی نیز که در بالا استدلال‌اتشان را در مورد تغییر خط بررسی کردیم، هر یک



نظامی برای نوشتن زبان فارسی با نویسه‌های لاتین پیشنهاد کرده‌اند. شیوه‌ها و الفباهای لاتینی به‌کاررفته در این موارد با هم تفاوت‌هایی دارند و مناسب است که آن‌ها را بررسی کرده، نقاط اختلاف و تشابه‌شان را بشناسیم. مشکلاتی نیز وجود دارد که بیشتر معطوف می‌شود به فارسی‌نگاری اینترنتی و پیامکی. قبل از آشنایی با شیوه‌های مختلف نگارش فارسی به لاتین، به آواهای زبان فارسی معیار، یعنی فارسی لهجهٔ تهرانی، مروری گذرا می‌کنیم.

۱-۵. الفبا و آواهای فارسی معیار

عامهٔ ایرانیان و برخی زبان‌شناسان ایرانی، الفبای زبان فارسی را متشکل از ۳۲ حرف می‌انگارند. سایر زبان‌شناسان با اضافه‌کردن «همزه»، ۳۳ حرف برای الفبای فارسی قائل هستند؛ درحالی‌که بنابر *دستور خط فارسی*، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (چاپ فروردین ۱۳۸۲)، خط فارسی ۳۴ نشانه (حرف) دارد:

- غلامحسین زاده "تحت عنوان ترتیب الفبایی فارسی" [ص ۱۰۶] ← ۳۲ حرف: ﴿

ا (آ، ا، ه، ا، و، ا، ئ، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ، ر، ز، ژ، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، گ، ل،

م، ن، و، ه، ی.﴾

- علی حسن یوسفی [صص ۱۶-۱۴] ← ۳۲ حرف: ﴿

ء، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ، ر، ز، ژ، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، گ، ل، م، ن، و، ه، ی.﴾

- سمیعی گیلانی [ص ۲۰۵] ← ۳۳ حرف: ﴿

ء، ا، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ، ر، ز، ژ، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، گ، ل، م، ن، و، ه، ی.﴾

- ثنوری و احمدی گیوی [ص ۳] ← ۳۳ حرف: ﴿

ا، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، گ، ل، م، ن، و، ه، ی.﴾

- دستور خط فارسی [صص ۲۲-۱۵] ← ۳۴ حرف: ﴿

همزه (ه، ا، و، ا، ئ، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ،

ع، غ، ف، ق، ک، گ، ل، م، ن، و، ه، ی.﴾

بدیهی است که موجب تفاوت آراء، دو حرف همزه و الف هستند. چگونگی املاي همزه در موقعیت‌های مختلف در واژه، بحث‌های فراوانی را موجب شده است و برای ترانویسی فارسی با حروف لاتین باید دقیقاً مورد بررسی قرار بگیرد. درمورد تعداد آواها یا به عبارت دقیق‌تر، واج‌های^۷ فارسی معیار و علائم لاتین ترانویسی آن‌ها نیز اندکی اختلاف نظر هست [نک. جدول ۱]:
واج /^۸ یا به اصطلاح زبان‌شناسی، «صامت انسدادی چاکنایی» یا به توصیف آوایی دقیق‌تر، «صامت ششی برونسوی سخت بی‌واک انفجاری دهانی چاکنایی» آوای متناظر

حروف همزه و عین می‌باشد. حرف عین در واژه‌های دخیل عربی در اول، وسط و آخر واژه دیده می‌شود (علم /'elm/ - معلم /mo'alem/ - منع /man'/). همزه نیز در واژه‌های دخیل در همه موقعیت‌ها می‌آید که به صورت‌های مختلف نوشته می‌شود: «اکبر، اسلام، اُمت، آپارتمان، ایدز، ئیدروژن، رئیس، مأخذ، مؤمن، مأل، جزء، شیئی و...» و در تقابل با واج‌های دیگر یا نبود خود قرار می‌گیرد: «تأویل /ta'vil/ - تحویل /tahvil/ - طویل /tavil/ و یا واژه‌های سوء /su' - سود /sud/ - سو /su/». در واژه‌های اصیل فارسی همزه فقط در ابتدای واژه قرار می‌گیرد و با یکی از صورت‌های الف نوشته می‌شود: «اسب، استخر، اُردک، آب، او، ایران» و در این صورت یک همزهٔ مقدم به مصوت وجود دارد که در واج‌نویسی درج می‌شود: ... /'irân/, /'u/, /'âb/, /'ordak/, /'estaxr/, /'asb/. همچنین در واژه‌هایی که «آ» در وسط دارند مثل «مأل»، این همزه درج می‌شود: /ma'âl/.

جدول ۱. مقایسه روش‌های واج‌نگاری

Table 1. Comparison of Phonological Transcription Methods

الفبا	واج به فارسی	شده	تجلی	سمعی کیلانی	انوری و گوی	باطنی	صورت‌های املاتی
ب	/ب/	b	b	b	b	b	
پ	/پ/	p	p	p	p	P	
ت، ط	/ت/	t	t	t	t	t	
د	/د/	d	d	d	d	d	
ث، س، ص	/س/	s	s	s	s	s	(ث) s
ذ، ژ، ض، ظ	/ز/	z	z	z	z	z	
چ	/چ/	č	č	č	č	č	
گ	/گ/	g	g	g	g	g	
ک	/ک/	k	k	k	k	k	
ج	/ج/	j	j	j	j	j	
ق، غ	/ق/	q	q	q	q	q	
ع، ء	/ء/	ʔ	ʔ	ʔ	ʔ	ʔ	نیدروژن، ایدروژن، علم، معلم، شجاع، رئیس، مأخذ، مؤمن، متلائی، جزء، اسب، آب، مأل استخر، اوستا، ایران، اردک، آپارتمان
ر	/ر/	r	r	r	r	r	
ش	/ش/	š	š	š	š	š	
خ	/خ/	x	x	x	x	x	
ژ	/ژ/	ž	ž	ž	ž	ž	
و	/و/	v	v	v	v	v	وارد، سواد، نای
ف	/ف/	f	f	F	f	f	
ح، ه	/ه/	h	h	h	h	h	واحد، مدح، مهر، هنر، سپاه، فقیه
م	/م/	m	m	m	m	m	
ن	/ن/	n	n	n	n	n	
ل	/ل/	l	l	L	l	l	
ی	/ی/	y	y	y	y	y	یاد، سپاه، تقی، پاییز
-	/ʔ/	a	a	a	a	a	من، سید، اسب
-	/e/	e	e	e	e	e	مهر، اسلام، تاله
-	/o/	o	o	o	o	o	مهر، اردک، تو
ا - آ	/ا/	ā	ā	ā	ā	ā	آب، مار، دارا
-	/u/	u	u	u	u	u	زنبور، آهو، طاووس، او
-	/i/	i	i	I	i	i	ایران، میهن، ساری، پاییز
-						ow	روشن، جو
-						ev (ei)	می، تی



بدیهی است که برای نوشتن فارسی به الفبای لاتین منطقی‌ترین و علمی‌ترین راه استفاده از همین علائم لاتین واج‌نگاری است؛ اما در عمل کاملاً این‌طور نبوده است. حال ببینیم تاکنون چه روش‌هایی برای نگارش فارسی با حروف لاتین به کار گرفته شده است.

۲-۵. شیوهٔ عام و فراگیر

علاوه بر لاتین‌نویسی اسامی فارسی در گذرنامه‌ها و مدارک بین‌المللی، تابلوهای تجاری و مواردی از این دست، از زمان ظهور اینترنت و پیامک، کاربران بسیار زیادی هرروزه با استفاده از این شیوه، متون فارسی را با الفبای لاتین بین همدیگر ردوبدل می‌کنند. درواقع حجم اصلی و عمدهٔ فارسی‌نویسی لاتینی به همین موارد برمی‌گردد. در این شیوه، مبنای الفبای ۳۲ حرفی فارسی در مقابل الفبای انگلیسی است و برخی ویژگی‌های نظام خطی زبان انگلیسی. به همین دلیل به این شیوه، فینگلیش (کاربرد نادرست) یا پنگلیش یا فارنگلیسی (واژهٔ پیشنهادی شاملو) یا فارگلیسی (واژهٔ پیشنهادی اسماعیل فصیح) نیز می‌گویند:

Email: "chand rooz pish barat ye pakat oomad dare khoone toonesti baad az zohr zang bezan maghaze bebinam chi kar bayad bekonamesh. Felan bye."
 "... sal kon az hamin ajan ba ostadet sohbat konl...."
 "salam naveed, emruz rdv gereftam prefecture. Iek rdv daad vasseh 16 Juillet ke chun mogheye tatilaat e, emkan dareh ke carte de séjournet taa septembre ke bekhai bargardi iran dorost nabasheh, un vakht bayad hatman ghabl az 14 octobre bargardi taa moshkelli pish naiaad barat....
 Kholasseh jaa rota farad réserve kardam...."
 " salam aghaye doctor rouzetoun be kheir ... "
 "salé no ro be to va khanevadat tabrik migam. Omidvaram ké salé khob va por bari barayé hamatoon baché ... "
 "Thank a lot, sal-e no bar shoma va khanevadeh ham mobarak. shad va sar boland bashi... parastow "
 "Doostané azizam baraye hame Sali be sabzi bahar, begarmayé tabestan, rangarangi barghayézibayé paiiz va bé paki o sepidi barf haye zemestan arezoo mikonam!"
SMS: "az 20/1 ta 27/2 ba sharje dastekam 1karte 5000 tomani, 5% az etebare karte 1-om be bad ra hadie begirid!"
 "... omid varam halat khob bashad bebakhshid ke natavanestam zank bezanam. Omid varam sal jadid baray khodat va khanevadeat sal khob bashad. ba arezoy behtarinha."
 " yademan bashad agar shakhe goli ra chidim vaghte par par shodanash soozo navaei nakonim,

از روی این مثال‌ها معادل واج‌های فارسی در این روش را می‌توان در جدول ۲ نشان داد:

جدول ۲. معادل‌های واج‌های فارسی در روش عام

Table 2.. Equivalent Letters of Persian Phonemes in Common Method

واج	b	p	t	d	s	z	c	g	k	j	q	'	r	š	x	ž	v	f	h	m	n	l	y
معادل	b	p	t	d	s	z	c	g	k	j	gh		r	sh	k	zh	v	f	h	m	n	l	y
							h		c					ch	h	j							
واج	a			e			o			â			u			i							
معادل	a			e; é			o; u			a; aa			oo; o; ou; u			i; ee;							

هرچند چند سالی است که کاربران با استفاده از همین روش پیام‌های اینترنتی و تلفنی را بین خود ردوبدل کرده، آن‌ها رامی‌خوانند و می‌فهمند، اما این روش که شیوه‌ای خودانگیزته و کنترل‌نشده است، ایراداتی نیز دارد که از روی همین مثال‌های محدود می‌توان آن‌ها را به اختصار، این‌طور طبقه‌بندی نمود:

الف. ایرادات واجی-الفبایی

- نوشتن برخی از واج‌ها با دو یا چند نشانه یا ترکیب حرفی که باعث تداخل کاربردی می‌گردد:

mojdeh ; sharje ; jadid ; zank bezanam , zang bezan ; ye , lek ; naveed, sepidi ; rooz, emruz, parastow, khob ; tatilaat, sare hal , bayad ; ...

- نوشتن همزه-عین و یا اختصاص aa به آن، که با واج /â/ تداخل پیدا می‌کند: oomad ; sai kon ; I-om be bad ; baad az zohr

- مشکل در نوشتن «ئی» و «بی»: doaei, navaei, paiiz .

مشکلات مربوط به همزه-عین بعضاً باعث تداخلاتی می‌شود. در تست کوچکی که نگارنده انجام داد، عبارت «jamee irani» به جامعه ایرانی (۴ مورد)، جمع ایرانی (۲) و جامعه ایرانی (۱) ترجمه شد.

ب. ایرادات دستوری-نوشتاری

- نوشتن یا ننوشتن «های» غیر ملفوظ آخر واژه‌ها (ه؛ ه): emkan dareh; khaste boodi; khanevadeh; khoone

- تداخل فرم گفتاری و نوشتاری: ye pakat; yek rooz; ahvaletan; haletun; . doosthayat; daneshgat; ... haletoon khoob bashe... khoobbo sare hal bashid

- شیوه‌های مختلف نوشتن کسره اضافه: dare khoone; mogheye tatilaat; salé no; sal-e no ; sal jadid

- تداخل "gh", "sh", "kh", "zh" با ترکیبات g+h, s+h, k+h, z+h : raado barghayé asemun در مقابل barghayé zibayé paiiz

- پیوسته یا جدانویسی ترکیبات: behtarinha, barf haye ; begarmayé, por bari, par par ; Omidvaram ké, Omid varam

ج. ایرادات بین‌زبانی (تداخلی)

- ادغام برخی ویژگی‌های یک زبان خارجی: به‌عنوان مثال کاربرد ch به‌جای ش یا é



به‌عنوان کسره و دابل‌نوشتن s بین دو واکه توسط ایرانیانی که با زبان فرانسوی آشنایی دارند: vasseh ; kholasseh ; bé doostané azizam ; salé no ; baché

- وارد کردن مستقیم برخی کلمات خارجی و حفظ نگارش آن‌ها و اعمال مستقیم تغییرات نحوی بر آن‌ها: vasseh 16 Juillet

emkan dareh ke carte de séjouret taa septembre...; réserve kardam; Iek rdy daad.

۳-۵. الفبای یونی‌پرس یا پارسی جهانی

این شیوه در حدود سال‌های ۱۳۳۰ ه.ش ابداع شده، توسط شخصی به نام محمد کیوان گسترش یافته است و ماهیت علمی‌تری نسبت به روش عام دارد. الفبای پارسی جهانی عیناً مانند علائم واج‌نگاری است که برای واج‌های فارسی در نظر گرفتیم (روش نجفی) با این تفاوت که در یونی‌پرس، بدون در نظر گرفتن مصوت مرکب /ow/ یک حرف w نیز اضافه شده که با ترکیب با حرف o کاربرد واج مرکب /ow/ را خواهد داشت: نو=now. یونی‌پرس ده دستور املائی دارد که مثال‌های زیر بازتاب این قوانین هستند [نک. سایت یونی‌پرس]:

Nâme man, nâmeye man ; šabo ruz, nâme vo kâqaz ; bexor, midaham, nemidaham ; farhanghâ, keštâr ; biyâvar, miyâmad ; orupâyi, siyom (استثنات): sevom, xordeam, kardeand, šodeid); gerdâgerd, goftogu ; kêr kardan, dur šodan ; xâham xord, xorde ast,¹ xorde bâšad, betavân raft ; bâz dâštan, gerdeham âmadan, gerdehamâyi, bâzdâšt ; šotormorq, gâvmiš ; pirzan, vâlâgohar, durandiš ; novin, xosrovân ; nowzâd, (now-âmuz, now-âvar, partow-afšân) ; kist, ki ast, kojâst, kojâ ast ; ali, ebâdat, mas'ul, saâdat, jâmee, rafii, (šam'dân, šam'hâ) ; ba'd ; šâm' (šam'o gol).

۴-۵. شیوه اوروفارسی

این شیوه متعلق به مرکزی است به نام کنوانسیون اوروفارسی که به‌طور مستقل در سال ۱۹۹۳م تأسیس شده است. الفبای پیشنهادی این مرکز عیناً مشابه الفبای یونی‌پرس است، به‌استثنای حرف â که در اوروفارسی به‌صورت â نوشته می‌شود. همچنین واج مرکب /ow/ جایگزین w شده است. برخی قراردادهای املائی این شیوه متفاوت از قراردادهای یونی‌پرس است و برخی مشابه آن [نک. سایت اوروفارسی]:

Dast e man, sedā ye āvāz; rafte am, karde and, dide am; dustāne, dāstānhā,
mišenidam; afsāneyi kohan, afsānej kohan, jodāi, jodāyi; ettefāqan; xubast,
xub ast; injāst, injā ast; tahammol, mosavvar; ba'd, ra's; soāl, moāmele,
moāven, moayyan, jāmee, rustāi, arabi, ebārat, Omar, Irān, išan.

۵-۵. الفبای جهانی فارسی یا پارسیک

این نظام خطی نسبت به شیوه‌های قبلی، بسیار مفصل‌تر است و تحت عنوان IPA2 (International Persian Alphabet) توسط دکتر مصلح‌آبادی تدوین شده است. عدد ۲ برای تفاوت گذاشتن با IPA (International Phonetic Alphabet) به آن اضافه شده است. این الفبا شامل ۲۶ حرف و ۷ علامت (^ ˇ ˘ ˙ ˚ ˛ ˜) می‌باشد. واج /š/ با ترکیب sc و واج /ž/ با ترکیب zc نمایش داده می‌شود. همزه و عین «مول» نامیده می‌شوند؛ ولی حرفی به آن اختصاص داده نشده است و با گذاشتن علامت روی واژه‌ها نشان داده می‌شود. جدول ۳، توسط مصلح‌آبادی تنظیم شده است. در جدول ۴، الفبای پارسیک با سیستم واجی فارسی معیار مقایسه می‌شود.

با توجه به این جداول درمی‌یابیم که شیوه خط پارسیک، ویژگی‌های مختلف زبان فارسی را در نظر گرفته است. به دلیل اجبار در کوتاه‌نویسی، شرح و بررسی قوانین نگارشی و نوشتاری این شیوه در این مختصر نمی‌گنجد، اما برخی موارد دستوری و زبانی در نظر گرفته شده، به اختصار به این شرح است:

معرفگی و نکرگی «daftaréh; daftariy» ، یای نکره و یای اسم یا صفت‌ساز «mardiy» (یک مرد) mardi (اسم عام) و یا mard'i (مرد هستی) « ساخت‌های کسره اضافی یا ملکی در واژگان ترکیبی یا مجزا «áb e limu; ábélimu; haqqérày dàdan» و حروف اضافه کسره‌دار ruyé; ziré; páiné; tuyé (رسمی و محاوره‌ای) { 'am (am);...;id : گذشته : (am);... (in);... و اشکال ادغام‌شده بن «هست». تغییرات حرفی در گفتار و نوشتار مثل باران bārān و بارون bārān . ادغام و حذف صداها در محاوره mir'im → mir'imek → yek. همچنین علاوه بر واژه‌های مرکب uy, Áy, ey, ow ,» peymán, hoseyn, mowz;



«záymán, Táyván ; ru(y), bu(y)» ، برخی واژه‌های مرکبی که کاربرد بسیار محدودی نیز دارند ذکر شده است: ... áw, ay, oy, wc, wí, wá, wo, ... در الفبای جهانی پارسیک حرفی برای همزه و عین اختصاص نداده شده است.

بدین ترتیب، الفبای پارسیک در ظاهر مانند الفبای انگلیسی شامل ۲۶ حرف باقی می‌ماند، اما در مقابل، واژه‌ها برحسب پیش یا پس‌جواری یا عدم همجواری با واج /ʃ/ ، ۱۸ صورت مختلف پیدا می‌کنند. علاوه بر این‌که همزه یا عین ساکن ما قبل همخوان در آخر واژه به صورت ê نوشته می‌شود manê, scamê, sarê, sceyê . حال اگر صورت á را که در مورد تغییر واج /â/ به /u/ در محاوره به کار می‌رود، همچون در bárán/bárân به مجموعهٔ بالا اضافه کنیم، درمی‌یابیم که واژه‌ها به بیست شکل مختلف نوشته می‌شوند: a, ä, à ; e, è, è, ê ; o, ö, ò ; á, ã, â, â ; u, ü, ù ; i, î, ì, بر اثر دخیل کردن، موارد دستوری و دستور تاریخی^۱ در آخر اسامی معرفه، êh می‌آید که h خوانده نمی‌شود. همچنین y در آخر اسم نکره خوانده نمی‌شود. در مقابل، در ترکیبات اضافی، آوای /y/ درج نمی‌شود: náme e man (=nâme-ye man). بدین ترتیب از یک سو یک حرف h و یک حرف y داریم که نوشته ولی خوانده نمی‌شوند، از سوی دیگر یک /y/ داریم که تلفظ می‌شود، ولی نوشته نمی‌شود.

در برخی موارد اشکال مختلفی به آوایی واحد برمی‌گردند: áb e limu, ábêlimu; scir o scekar, sciroscekar; ra, rá... این مسئله به‌ویژه در مورد واج /c/ مشاهده می‌شود که به صورت‌های c و ç نوشته می‌شود و دلیل آن این است که ترکیبات SC و ZC معرف صداهای /ش/ و /ژ/ هستند. برحسب موارد بالا این‌طور به نظر می‌آید که الفبای پارسیک در مواردی از تناظر یک‌به‌یک آوا و حرف دور می‌شود و با وارد کردن برخی الزامات (دستوری- تاریخی، ...) به پیچیدگی خود می‌افزاید.^۲ در واقع اساسی‌ترین مشکل الفبای پارسیک همان پیچیده بودن آن است: این منطقی و عملی نیست که از کاربران انتظار داشته باشیم به هنگام نگارش، پیوسته یک تقطیع آوایی یا یک آنالیز دستوری در ذهن خود انجام دهند تا ببینند مثلاً اول همزه آمده، بعد مصوت e یا برعکس، یا این‌که همزه بعد از همخوان در پایان کلمه آمده تا برحسب آن، یکی از اشکال è, è یاغ را بنویسند و یا واژه «مردی» را برحسب هویت دستوری به یکی از صورت‌های mardiy

یک مرد)، mardi (اسم عام) و یا mard'i (مرد هستی) بنویسند.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

الف. دلایل بررسی‌شده در بخش اول مقاله مانند «الفبای فارسی-عربی، تکامل این زبان را به بند کشیده است» و «این خط همراه خود فارسی را نیز به موقعیت زبان عقب‌ماندگی فرو می‌کشد»، احساسی و غیر علمی هستند. از سوی دیگر مشکلات شیوه خط کنونی، بزرگ جلوه داده می‌شود تا تغییر خط توجیه شود.

ب. وقت آن است که دور باطل بحث‌های مربوط به تغییر خط پایان یابد. وجود مشکلات در نظام نوشتاری فارسی نمی‌تواند دلیل تغییر خط باشد؛ چراکه بسیاری از خط‌های دیگر، به‌ویژه خط لاتین نیز در نظام‌های خطی مختلف، دارای چنین مشکلاتی هستند و برای زبان فارسی نیز خواهند بود. در این راستا همچون گذشته نقش فرهنگستان زبان فارسی برای رفع مشکلات و قانونمند کردن شیوه خط بسیار مهم است.

ج. آنچه نتیجه‌گیری بالا را تا حدودی مشروط می‌کند این است که هرچند با پیشرفت‌های علوم رایانه، پشتیبانی از نظام نوشتاری زبان فارسی روزبه‌روز افزایش می‌یابد، اما یک نکته باید مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد و آن این است که آیا براساس ادعای برخی از صاحب‌نظران همچون مسعود خیام، شیوه کنونی خط در آینده از جنبه تکنولوژیکی، مانعی بر سر راه پیشرفت جامعه ایرانی خواهد بود یا این‌که پیشرفت‌های علمی، به‌ویژه در زمینه پردازش زبان فارسی این موانع را از سر راه بر خواهد داشت.

د. مسئله گسست فرهنگی و ادبی تاکنون در حد حرف باقی مانده است و هنوز پژوهش‌های وسیعی در خصوص تأثیرات مثبت و منفی تغییر خط در کشورهایی همچون ترکیه و آذربایجان صورت نگرفته است. آنچه مسلم است در این کشورها نیاز و تمایل افراد به فراگیری خط پیشین روزبه‌روز افزایش می‌یابد؛ بنابراین بدیهی است که زبان‌شناسان باید به‌جای صرف انرژی و مخالفت کورکورانه با یکدیگر اقدام به انجام پژوهش‌هایی در این مورد نمایند.

درباره شیوه‌های نگارش لاتینی زبان فارسی شیوه عام و فراگیر مبتنی است بر الفبای زبان انگلیسی، اما سایر شیوه‌ها ماهیتی واج‌نگار و دقیق‌تر دارند. الفبای لاتین‌بنیاد پارسیک،



با توجه به ویژگی‌های دستوری زبان فارسی ابداع شده است؛ اما همین مورد باعث پیچیدگی بسیار و تحمیل الزامات غیر ضروری و ناکارآمد بودن آن شده است. با این وجود با توجه به نتیجه‌گیری اول مبنی بر منتفی دانستن تغییر خط، استفاده از الفبای لاتین دو جنبه پیدا می‌کند:

۱. استفاده خودجوش عموم از شیوه عام و فراگیر: خوشبختانه با پشتیبانی گوشی‌ها و رایانه‌های جدید از خط و زبان فارسی، از میزان استفاده از الفبای لاتین برای فارسی‌نویسی، روزبه‌روز کاسته می‌شود و همان‌طور که صفوی می‌گوید: *بهتر است مردم را به حال خود بگذاریم (نغزگوی کهن و همکار، ۱۳۹۴: ۳۳).*

۲. استفاده از الفبای لاتین برای درج اسامی فارسی در گذرنامه‌ها، مدارک علمی، ترجمه‌ها، تابلوهای تجاری، تابلوهای خیابانی و رانندگی و غیره: در این مورد نیاز به تهیه نوعی استاندارد با توجه به نُرم و عرف جهانی است. بسیاری از کشورهایی که خط غیر لاتین دارند، در چنین مواردی مثلاً در گذرنامه‌ها از خط لاتین و نظام نوشتاری انگلیسی استفاده می‌کنند. در صورت نیاز به استفاده از یک شیوه واج‌نگار برای یکدست کردن مواردی همچون تابلوهای شهری، شیوه نجفی پسندیده‌تر است؛ البته با جایگزینی علاماتی که روی خود اکسان دارند؛ مثل *â* و *š* با *a* و *s*: به راحتی با هر صفحه کلیدی می‌توان کار کرد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. unipers
2. eurofarsi
3. parsik
۴. جالب است که این مورد را هم از قول یکی از دوستان ذکر کنیم که یک دانشجوی مراکشی حکیم عمر خیام را هم‌میهن خود می‌دانست. مورد جالب توجه دیگر از قول یکی از دوستان، نمایش *شاهنامه فردوسی*، در نمایشگاهی از آثار فرهنگی اعراب در کشور فرانسه می‌باشد.
۵. گورسل گنجو، سردبیر ماهنامه *ان تی وی*، تاریخ ماجرای سفر خود به آرشیو نظامی استرالیا را این‌طور حکایت می‌کند: «وقتی می‌خواستم نامه‌های شخصی و پشت عکس‌های سربازان عثمانی در نبرد چاناک قلعه- که در جنگ جهانی اول بین ارتش عثمانی و نیروهای بریتانیایی و فرانسوی صورت گرفت- را بخوانم، ناچار بودم که به توضیحات انگلیسی آن‌ها رجوع کنم، زیرا [خط] عثمانی نمی‌دانستم. دچار یک حس استیصال و شرمندگی شدم. در سرزمینی بیگانه و با توسل به

- زبان بیگانه می‌کوشیدیم تا با افرادی که برای سرزمینم شهید شده‌اند، ارتباط برقرار کنم. آن‌گاه از خود پرسیدم: بیگانه واقعی در اینجا کیست؟» [نک. استادی: تاریخچه خط در ایران].
۶. حتی در مورد این‌که خط فارسی - عربی برای غیر فارسی‌زبانان بسیار مشکل است، باید گفت که نگارنده، خود خارجیانی را ملاقات کرده است که بسیار علاقه‌مند به این نظام خطی بودند و آن را خیلی زیبا می‌دانستند.
۷. اصوات زبانی یا به تعبیر زبان‌شناختی: آواها، واحدهایی صوتی هستند که انسان‌ها با خارج کردن و گاهی با وارد کردن هوا از شش‌هایشان و برخوردشان با بعضی قسمت‌های حنجره و دهان و زبان و لب‌ها و بینی تولید می‌کنند و بر دو نوعند: آواهای زبرزنجیری (درنگ، تکیه، آهنگ و نواز) و آواهای زنجیری (واج و واجگونه). برای نوشتن آواها از علائم بین‌المللی الفبای لاتین استفاده می‌شود. به‌طور کلی در زبان‌شناسی *واج* به‌عنوان لفظی تخصصی و تقریباً معادل *آوا* به کار می‌رود. اما بین *واج* و *آوا* تفاوت کوچکی وجود دارد؛ در واقع هر *واج*، نماینده و سرگروه تعدادی *آوا* است که نمی‌توانند به‌جای یکدیگر قرار گرفته، تغییر معنایی ایجاد کنند. این *آواها* واج‌گونه (*آوای* غیر متقابل) نامیده می‌شوند. به‌عنوان مثال تلفظ های «ک» در لهجه‌های قزوینی و تهرانی، دو واج‌گونه از *واج* /k/ هستند. بر همین اساس در زبان‌شناسی از دو نظام خطی واج‌نویسی و آوانویسی برای آوانگاری استفاده می‌شود. برای آوا نویسی از دو گروه [] و برای واج‌نویسی از دو خط متمایل // استفاده می‌شود. در آوانویسی همه خصوصیات آوایی به‌دقت درج می‌شود بدین ترتیب که مثلاً مصوت $\hat{a}=A$ که در تکواژ «جام» کشیده‌تر از همتایش در تکواژ «جان» تلفظ می‌شود، به دو صورت نگارش می‌شود: [jâ:m], [jân]. درحالی‌که در واج‌نویسی تنها به خصوصیات تقابلی آواها (نقش ساختی آن‌ها) بسنده می‌شود: /jâm/, /jân/. (نک. ثمره، ۱۳۸۱؛ نجفی، ۱۳۷۳).
۸. ظاهراً این موارد با توجه به فارسی میانه در نظر گرفته شده است.
۹. ناگفته نماند که برخی از این کلمات یا قوائد می‌تواند در مواردی مفید باشد؛ مثلاً در پردازش اتوماتیک زبان یا ترجمه ماشینی.

۸. منابع

- استادی، کاظم «تاریخچه تغییر خط در ایران».
- امینی، ابوالقاسم «فینگلیش چیست؟».
- www.kazemostadi.persiablog.ir/post/117/ . (زمان بازدید ۱۷/۰۷/۱۳۹۴).



- <http://zabanshenasi.parsiblog.com/Posts/18/> . (زمان بازدید ۱۳۹۴/۰۴/۸).
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی ۲* و ۲. چ ۲۰. تهران: فاطمی.
 - باطنی، محمدرضا (۱۳۸۱). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. چ ۱۳. تهران: امیرکبیر.
 - ثمره، یدالله (۱۳۸۱). *آواشناسی زبان فارسی: آواها و ساخت آوایی هجا*. چ ۷. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 - خیام، مسعود (۱۳۷۳). *خط آینده، آینده خط تمام/توماتیک فارسی؟*. چ ۱. تهران: نگاه.
 - خیام، مسعود (۱۳۹۱). «پیشنهاد مسعود خیام برای حل مشکل زبان فارسی». isna.ir/fa/news/91110301783/ . (زمان بازدید ۱۳۹۴/۰۸/۰۱).
 - دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۱). «هرگونه دخل و تصرف در خط فارسی عیب دارد». isna.ir/fa/news/91113018330/ . (زمان بازدید ۱۳۹۴/۰۸/۰۳).
 - سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۲). *نگارش و ویرایش*. چ ۴. تهران: سمت.
 - صفوی، کورش (۱۳۸۶). *آشنایی با نظام‌های نوشتاری*. چ ۱. تهران: پژوهاکیوان.
 - صفوی، کورش (۱۳۹۱). «حرف‌های بحث‌برانگیز کورش صفوی درباره خط فارسی». isna.ir/fa/news/91110703827/ . (زمان بازدید ۱۳۹۴/۰۸/۰۱).
 - غلامحسین‌زاده، غلامحسین (۱۳۸۰). *راهنمای ویرایش*. چ ۲. تهران: سمت.
 - کالیراد، علی «تجربه تغییر الفبا در ترکیه چگونه رقم خورد؟». www.Iranbalkan.net/view-17990.html . (زمان بازدید ۱۳۹۴/۰۷/۱۷).
 - مصلحی مصلح‌آبادی، علی (۱۳۸۳). «IPA2: همگرایی آوانگاری و نظام خطی فارسی». *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی*. صص ۳۱۳-۳۲۳. به کوشش ابراهیم کاظمی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
 - معمارزاده، مهرداد «سخنرانی احمد شاملو درباره زبان فارسی و هویت ملی» <http://www.iranboom.ir/shekar-shekan/zaban-pajohi/1929-shamlo-zaban-farsi.html> . (زمان بازدید ۱۳۹۴/۰۸/۰۴).
 - نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۳). *مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی*. چ ۳. تهران:

نیلوفر.

- نغزگوی، کهن و محمد راسخ‌مهند (۱۳۹۴). *جشن‌نامه دکتر کورش صفوی*. چ ۱. تهران: سپاه‌رود.
- یوسفی، حسین‌علی (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی او*. چ ۲. تهران: نشر روزگار.
- یوسفی، حسین‌علی (۱۳۸۲). *دستور خط فارسی* (مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی). تهران: نشر آثار.

References:

- Amini, A. *What is Finglish?* <http://zabanshenasi.parsiblog.com/Posts/18>, Visit Date: 2015/Oct/26 [In Persian].
- Anvari, H. & H. AhmadiGivi (2000). *Persian Grammar II*. 20th Ed. Tehran: Fatemi [In persian].
- Bateni, M. (2002). *A Description of Persian Syntactic Structure*. 13th Ed. Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Dabir Moghaddam, M. (2012). *Any Interference in Persian Writing System is Problematic*. isna.ir/fa/news/9111301833, Visit Date: 2015/Oct/25 [In Persian].
- Gholamhosseinzadeh, G. (2001). *Editing Guide*. 2nd Edition. Tehran: SAMT [In Persian].
- Kalirad, A. *How was the Alphabet Change in Turkey Formed?* www.Iranbalkan.net/view-17990.html, Visit Date: 2015/Oct/09 [In Persian].
- Khayyam, M. (1994). *Future Script, the future of Persian full-automatic script?*. 1st Ed. Tehran: Negah [In Persian].
- Khayyam, M. (2012). *Suggestion of Masoud Khayyam for Solving the Persian Problem*, isna.ir/fa/news/91110301783, Visit Date: 2015/Oct/23 [In Persian].
- Memarzade, M. *Ahmad Shamloo's Speech Regarding Persian and National Identity*, <http://www.iranboom.ir/shekar-shekan/zaban-pajohi/1929-shamlo-zaban-farsi.html>, Visit Date: 2015/Oct/26 [In Persian].



- Moslehi Moslehabadi, A. (2004). *IPA2: The Convergence of Phonetic Transcription & Persian Writing System*. Paper presented at the 6th Linguistics conference. Tehran: Allameh Tabatabaie University [In Persian].
- Naghzguy Kohan, M. & M. Rasekh Mahand (2015). *Memorial Letters in the Honor of Dr. Kourosh Safavi*. 1st Ed. Tehran: Siahroud [In Persian].
- Najafi, A. (1994). *Linguistics foundation and its application in Persian*. 3rd Ed. Tehran: Niloufar [In Persian].
- Ostadi, K. *The History of Writing System Modification in Iran*, www.kazemostadi.persiablog.ir/post/117/, Visit Date: 2015/Oct/09 [In Persian].
- Safavi, K. (2007). *An Introduction to Writing Systems*. 1st Ed. Tehran: Pejvak Keyvan [In Persian].
- Safavi, K. (2012), *Kourosh Safavi's Controversial Words about Persian Writing System*, isna.ir/fa/news/91110703827, Visit Date: 2015/Oct/23 [In Persian].
- Samareh, Y. (2002). *Persian Phonetics: Sounds and the Syllable Phonological Structure*. 7th Ed. Tehran: Markaz Nashr Daneshgahi [In Persian].
- Samiee (Gilani), A. (2003). *Writing and Editing*. 4th Edition. Tehran: SAMT [In Persian].
- Youssefi, H. (2000). *Persian Grammar 1&2*. 2nd Ed. Tehran: Rouzegar [In Persian].
- Youssefi, H. (2003). *Persian script manual*. By Persian Academy, Tehran: Asar [In Persian].

۹. پیوست

جدول ۳. الفبای پارسیک

Table3. Pársik Letters

Capital	Small	Letter Name	All Possible Forms
A	a	am	á (ám), ā (mul ám), â (âm mul), á (ám umi), ä (mul am), à (am mul)
B	b	be	
C	c	ci	ç (ci zire)
D	d	de	
E	e	em	ë (mul em), è (em mul), é (em vande), ê (mul), ë (mul em vande)
F	f	fi	
G	g	ge	
H	h	he	
I	i	im	ÿ (mul im), ÿ (im mul), ÿ (im vande)
J	j	je	
K	k	ki	
L	l	li	
M	m	mi	
N	n	ne	
O	o	om	ö (mul om), ô (om mul), ó (om vande)
P	p	pi	
Q	q	qu	
R	r	re	
S	s	se	sc (sce)
T	t	ti	
U	u	um	ü (mul um), ù (um mul)
V	v	vu	
W	w	dove	
X	x	xe	
Y	y	ye	
Z	z	ze	zc (zce)

جدول ۴. مقایسه الفبای پارسیک با سیستم واجی زبان فارسی

Table 4. Comparison of the Pársik letters with Persian Phonological System

واج	حرف پارسیکی	واج	حرف پارسیکی
b	b	a	a → mard; bad ā = /' + a/ → masāle; sanāt; vosāt â = /a + ' / → bād; māni; sāy; rāy
p	p	e	e → medād; se; be; ë = /' + e/ → jomë; monëm è = /e + ' / → mottalë; tälë; é → manë; sarë
t	t	o	o → por; honar ô = /' + o/ → ferôn; tanâöm ô = /o + ' / → mômën; môtadel; bôd
d	d	â	â → bārân; mádar ā = /' + â/ → merāt; anām; erāb â = /â + ' / → ejtemâ; ettelâ; esjâ â → nân ⇒ nân
s	s	u	u → u; kuce; mu û = /' + u/ → masûd; masûliat ù = /u + ' / → mowzù; mamnù
z	z	i	i → niru; ābi; dir; scir î = /' + i/ → tasîd; marî î = /î + ' / → sarî; scanî iy
c	→ c → ç : /s + c/ → kāsçe ; /z + c/ → howzçe ;tizçescm		
g	g		
k	k		
j	j		
q	q		
r	r		
š	sc		
x	x		
ž	zc		
v	v		
f	f		
h	h		
m	m		
n	n		
l	l		
y	y		



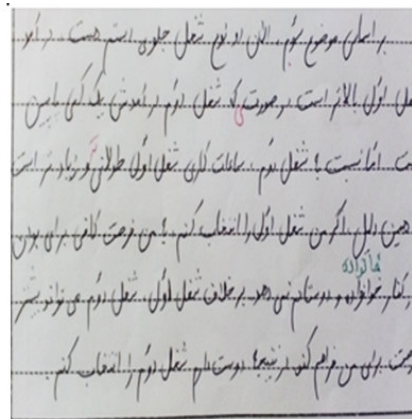
جدول 5. برخی ناهمگونی‌های حرفی - آوایی زبان فرانسوی

Table 5. Some Heterogeneities in French

مثال	آوا	حرف یا ترکیب الفبایی	مثال	آوا	حرف الفبا
wagon	[v]	w	belle	[b]	b
web	[w]		obtenir	[p]	
soixante	[s]	x	classe	[k]	c
maximum	[g+z]		cinéma	[s]	
taxi	[k+s]		neuf ans	[v]	f
beaux arts	[z]		neuf	[f]	
yoga	[j]	y	gare	[g]	g
nylon	[l]		girafe	[ʒ]	
chien	[ʃ]	ch	gagner	[ɲ]	
technique	[k]		mot	[o]	o
match	[ʃ]		ombre	[ɔ]	
philosophie	[f]	ph	mort	[ɔ]	
aimer	[e]	ai	son	[s]	s
oui, loi, moyen	[w]	oui, oi, oy	hasard	[z]	
brun	[ɔ]	un	partiel	[s]	t
sœur, jeune	[œ]	œu, eu	toi	[t]	
ambassade, tant, temps, en	[ɑ]	am, an, em, en	tu	[y]	u
symbole, syndicat, plein, faim importat, chagrin	[ʔ]	ym, yn, ein, aim, im, in	pour	[u]	
			beau	[ø]	

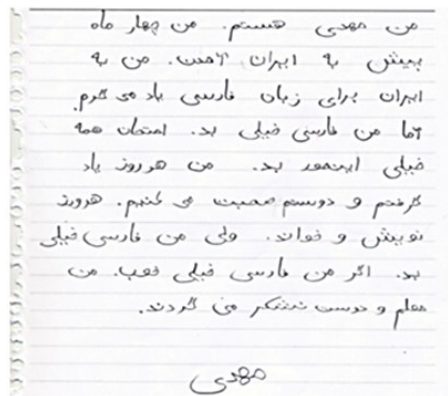
مدرك ۱. نمونه نگارش فارسی آموزان چینی سطح پیشرفته

Document1. A sample text of an advanced-level Chinese Persian learner



مدرک ۲. نمونه نگارش فارسی آموزان چینی سطح پایه

Document 2. A Sample Text of an Elementary-Level Chinese Persian Learners



مدرک ۳. نمونه غلط املائی یک ایرانی

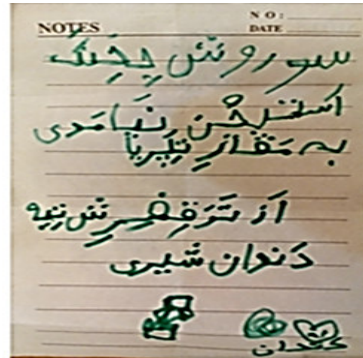
Document 3. A Sample of an Iranian Misspelling





مدرک ۴. نمونه نوشتار یک دختر بچه ایرانی ۷ ساله بعد از ۳ ماه یادگیری خواندن و نوشتن

Document4. A Sample of an Writing of a Seven-Year-Old Iranian Girl after 3 Months of Learning to Read and Write



مدرک ۵. نمونه نوشتار همان دختر بچه بعد از ۴ ماه

Document5. An Example of the Writing the Same Girl after 4 Months

